

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 9, Autumn 2021, 249-272
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.29253.1703

A Critique on the Book
A Glance at the Literary Developments after the
Victory of the Islamic Revolution in Iran

Fatemeh Rakei*

Abstract

The book *A Glance at the Literary Developments after the Victory of Islamic Revolution in the Realm of Poetry and Fiction* by Bahjat-o- Sadat Hejazi was published in 2015 by the Elmi- Farhangi publications. The present article has been written to introduce and criticize the aforementioned book. The outcome of the study shows that the book as a whole from both aspects is poor and fails to meet the requested standards. For this reason, it deserves not to be placed among other references before being reviewed drastically. Obviously, it would be useful provided that all the deficiencies be removed.

Keywords: Literary Developments, Criticism, Poetry, Fiction, Islamic Revolution.

* Associate Professor in General Linguistics, Institution of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, fatemehrakei@gmail.com

Date received: 20/07/2021, Date of acceptance: 06/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

معرفی و نقد کتاب چشم‌اندازی به تحولات ادبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه شعر و داستان

فاطمه راکعی*

چکیده

کتاب چشم‌اندازی به تحولات ادبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه شعر و داستان، نوشته بهجت‌السادات حجازی، در سال ۱۳۹۴ در انتشارات علمی و فرهنگی چاپ و منتشر شده است. مقاله حاضر با هدف معرفی و نقد کتاب مذکور نوشته شده و ویژگی‌های شکلی و محتوایی آن را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه این بررسی حاکی از آن است که کتاب، در کلیت آن، چه به لحاظ نوع رویکرد و دیدگاه نویسنده در خصوص ادبیات انقلاب اسلامی و چه به لحاظ شکلی و محتوایی، دچار نقیصه‌های فراوان است. به همین دلیل، به شکل کنونی، قابل استفاده دانشجویان به عنوان کتاب درسی یا حتی منبع قابل استفاده در کنار کتب درسی مربوط نیست. امید است در چاپ بعدی اصلاحات لازم در آن به عمل آید که در این صورت می‌تواند در کنار دیگر کتاب‌هایی از این نوع به عنوان منبعی برای مطالعه مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات انقلاب اسلامی، نقد شعر، نقد داستان.

۱. مقدمه

در طول بیش از چهار دهه، که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، ادبیات ایران در حوزه‌های مفهومی خود تلاش کرده است تا گفتمان‌هایی از قبیل ضرورت گسترش عقلانیت انتقادی و پرسش‌گری در امور معمول زندگی، شناخت وضع موجود براساس شرایط و واقعیت‌های

* دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکترای زبان‌شناسی همگانی، تهران، ایران، fatemehraei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

اجتماعی، و پرداختن به مضامین انسانی از نظرگاه‌های جدید در حوزه ادبیات و اندیشه‌های ادبی را امکان‌پذیر سازد. شریان‌های اصلی ادبیات فارسی در طول تاریخ خود در کار مفاهیم بلندی است که محور عموم آن‌ها «انسان» و «سرنوشت» اوست. می‌توان با این فرض در قرابت مفهومی ادبیات ایران و جهان نیز درنگ داشت و مشترکاتشان را مرور کرد. به‌اعتبار تلاش‌های پیش‌گامان اقلیم اندیشه و ادب فارسی است که «مدنیت»، هم‌راه با تجربه «نو شدن» در گفتمان‌های سیاسی- اجتماعی ایران معاصر، به موضوع روز تبدیل شده است. ادبیات امروز، ضمن پرداختن به کارکردهای پیشین، زاویه‌ای بر انتقاد از وضع فرهنگ عمومی مان گشوده است. اکنون، متن ادبی علاوه بر آن‌که می‌تواند در قلمرو ستودن انسان صاحب تأثیر باشد، قادر است صورت‌بندی‌های وضع موجود را در میدان دید میکروسکوپی انتقاد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و، به‌عنوان یک رسانه، با رویکردی انتقادی فضیلت نقد را به علاقه‌مندان برای پرسش‌گری و انتقاد عرضه دارد. مستندات این دسته از تجارب ادبیات را می‌توان در آثار نویسندگان و منتقدان ادبی‌نویس در مطبوعات و رسانه‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ دنبال کرد و به این نکته پی برد که نویسندگان سهمی انکارناشدنی در تجربه پوست‌انداختن حیات تمدنی خود دارند.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب چشم‌اندازی به تحولات ادبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه شعر و داستان، تألیف بهجت‌السادات حجازی، از اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، در شمارگان یک هزار نسخه در سال ۱۳۹۴ در انتشارات علمی و فرهنگی چاپ و منتشر شده است. از آن‌جاکه مقاله حاضر در چهارچوب مقالات پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی تنظیم شده است، در بخش‌هایی دیگر از مقاله، مانند «نقد شکلی» و «نقد محتوایی» اثر، به تفصیل به اشکالات موجود در این حوزه‌ها پرداخته می‌شود. در این بخش، ضمن معرفی کلی اثر، دیدگاه‌ها و رویکردهای مؤلف به موضوعات مختلف مطرح در کتاب مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲ بخش شعر

۱.۱.۲ دیدگاه نویسنده به رویکردهای حماسی و عرفانی در آثار شاعران انقلاب اسلامی

فصل نخست، با عنوان «نگاهی به دو قلعه حماسی و عرفانی»، بازکاوی ملی‌گرایی فردوسی و وحدت‌گرایی مولوی است. به‌تصور نویسنده کتاب، شاعران پس از انقلاب

اسلامی، به دلیل امتزاج رویکردهای حماسی و عرفانی، تأثیر پذیرفته از فردوسی در عرصه حماسه و مولانا در عرصه ادبیات عرفانی‌اند. در نقد این دیدگاه باید گفت که «حماسه» یکی از گونه‌های رایج در ادبیات جهان است و «ادبیات جنگ» یکی از زیرمجموعه‌های این نوع ادبی به‌شمار می‌آید. صورت کلی حماسه حکایت رشادت‌ها، جنگ‌آوری‌ها، طلب گوهر جاودانگی، و مبارزه با نیروهای اهریمنی است که قدیمی‌ترین نوع ثبت‌شده آن را می‌توان در دو اثر *ایلیاد* و *آدیسه* هومر مرور کرد؛ حماسه‌هایی که حتی قبل از پیدایش خط در یونان باستان سینه‌به‌سینه «نقل» می‌شده‌اند. مروری بر این نوع ادبی در ادبیات کلاسیک جهان نشان‌دهنده این است که «روایت»، «پردازش»، و «سرایش» پیرامون ماجراهایی با زیرساخت و درون‌مایه‌های حماسی صورت‌هایی مقبول طبع عموم فرهنگ‌ها بوده است. حماسه و حماسه‌پردازی در «اسطوره‌ها» و گرایش‌های معمول به آن در فرهنگ عمومی ملل مختلف ریشه دارد. ساختار ادبیات جنگ، به‌عنوان کلیتی که رفتارهای اسطوره‌ای، حماسی، اجتماعی، و... را در خود دارد، نمایه‌ای ریخت‌شناسانه از فرهنگ و هویت پنهان فرهنگی انسان‌ها به‌حساب می‌آید، اما تعامل نقد ادبی با ادبیات جنگ را شاید بشود در ضرورت بازشناخت ساختار اسطوره ملل، آرمان‌های محرک، علاقه به افتخار، و جوهره عنصر قهرمانی، و تصاحب گوهر جاودانگی از جانب انسان دانست. اما، در ادبیات معاصر ما، ادبیات جنگ منظرگاه رویارویی یک نسل با مسائل و وقایعی است که هرکدام در مرتبه خود عظمت و ارزشی خاص در تاریخ دارند و برانگیختگی این نسل در پرداختن به مضامینی مبتنی بر مرگ‌آگاهی و عبور از صحن و سرای واقعیت جهان برای درک جاودانگی است. ناگفته نماند که این مضامین به «تقدس» جنگ و انسان‌های درگیر با آن معروف و محدود نیست، چراکه جنگ در تاریخ ما به طبقه‌ای خاص محدود نیست و عموم مردم، از هر قشر و طبقه‌ای، سایه آن را بر سر خود دیده‌اند. در پی شکل‌گیری جریان شعر انقلاب در ساحت هنری است که شعر جنگ از کالبد شعارهای صرف بیرون خزید و، به‌عنوان یک گفتمان مستقل و آمیزه‌ای از تغزل و حماسه در شعر فارسی، خود را تثبیت کرد. گرچه این‌همه مغایرتی با ادبیات کلاسیک گران‌سنگ ما، یعنی حماسه فردوسی و عرفان مولوی، ندارد، بلکه آثار این دو اسطوره ادبی فارسی‌سرا در تاریخ فرهنگ و فرهنگ تاریخی ما ریشه دارد.

۲.۱.۲ نپرداختن به عرصه‌گشایان ادبیات معاصر ایران در آغاز انقلاب و شناس‌نامه علمی شعر انقلاب اسلامی

متأسفانه، در این اثر از چهره‌های مؤثر ادبیات معاصر ایران در آغاز انقلاب اسلامی نامی برده نشده است، درحالی‌که تلاش نسل نخست اهل قلم ایران پس از انقلاب بر مضامینی چون عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی (ادبیات معترض) و ضرورت نقد و نقدپذیری (جریانات انتقادی) مبتنی است (بنگرید به تلاش‌های شاعران و نویسندگانی چون قیصر امین‌پور، مهدی شجاعی، وحید امیری، سیدحسن حسینی، و...). هم‌چنین، طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ با نشر ماه‌نامه سوره نخستین تلاش‌های تئوریک در حوزه ادبیات داستانی و شعر به‌ثبت رسیده است. نویسنده در فصل‌های دوم و سوم (بخش شعر) به‌جای پرداختن علمی به چهره حقیقی شعر انقلاب در شعر پس از انقلاب اسلامی گاهی به نام‌ها و آثار پرداخته که برد شعری‌شان از سطح روزنامه‌ها و مجلات آن روزها فراتر نرفته است. شعر انقلاب بی‌تاریخ و بی‌شناس‌نامه نیست. شناس‌نامه این شعر را باید در دهه چهل در آثار شاعرانی چون طاهره صفارزاده، مهرداد اوستا، و علی موسوی گرمارودی جست که تلاش کردند شعر انقلاب را از درغلتیدن به دامان شعارهای بی‌رمق نجات دهند. از دل همین تلاش‌ها بود که قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سهیل محمودی، ساعد باقری، علی معلم، و برخی دیگر در عرصه شعر انقلاب اسلامی خوش درخشیدند.

۳.۱.۲ بی‌توجهی به اصول و روش‌های علمی در تعیین مؤلفه‌های ادبیات انقلاب اسلامی

بی‌توجهی به تعریف مؤلفه‌ها، در تعریف شعر انقلاب اسلامی، و هم‌چنین در «پرداختن» به آثار و شخصیت‌ها، بی‌توجهی به شعر انقلاب در خارج از مرزهای ایران، نپرداختن به شعر مهاجرت، و نظایر آن از دیگر اشکالات بخش شعر است که در این‌جا به‌اجمال از آن می‌گذریم و در بخش داستان، که این اشکالات بروز و ظهور جدی‌تری دارد، به‌تفصیل بیش‌تر به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴.۱.۲ بی‌توجهی ساختاری به سمبولیسم اجتماعی در شعر انقلاب

در فصل سوم، که نویسنده به تحولات سبکی شعر پس از انقلاب می‌پردازد، با نقیصه‌ای مهم روبه‌رویم و آن بی‌توجهی به مسئله سمبولیسم اجتماعی در شعر انقلاب است. شاعران

انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، به دلیل تأثیرپذیری از واقعیت‌های ملموس باورهای معنوی، اخلاص، رشادت، و ایثار شهدا و رزمندگان، در توصیف واقعیت از روایت‌های گزارش‌گونه فراتر رفته و با استفاده از میراث‌های دینی و عرفانی به زبانی نمادین دست یافته‌اند که درعین واقع‌گرایی با ذهنیت دینی و عرفانی آنان از یکسو و آرمان‌های دینی و عرفانی رزمندگان از سوی دیگر پیوند دارد. از این‌رو، بخش‌هایی از این‌گونه شعرها در چهارچوب رئالیسم محدود نشده، بلکه درعین این‌که در بستر رئالیسم تکوین یافته‌اند، از جوهر سمبولیک و نمادین دینی و عرفانی برخوردارند و به سمبولیسم اجتماعی تبدیل شده‌اند و در نتیجه شاهد ظهور سمبولیسم ویژه شعر انقلاب اسلامی هستیم که برخلاف بخش‌های عمده ادبیات معاصر پیش از انقلاب اسلامی، درعین برخورداری از ریشه‌های دینی و مذهبی، ترکیبی است که از حیث تصویری از آثار سمبولیک اجتماعی ادبیات معاصر محسوب می‌شود، درحالی‌که به لحاظ معنایی سرشار از سمبل‌های عرفانی است، که میراث ادب کهن است. می‌توان گفت سمبل‌های اجتماعی انقلاب اسلامی پلی است که ادبیات کهن عرفانی را با ادبیات معاصر پیوند می‌دهد. بنابراین، سمبولیسم اجتماعی در شعر پس از انقلاب یک اتفاق نیست، بلکه جریانی اصیل و مستمر است که این آثار را با ویژگی‌های متمایز و متفاوت با گذشته معرفی می‌کند.

۲.۲ بخش داستان

در فصل پنجم کتاب، که به داستان نویسی پس از انقلاب اسلامی نویسندگان ایران اختصاص دارد، ذکر اشکالات زیر ضروری است.

۱.۲.۲ بی‌توجهی به تقسیم‌بندی ادواری داستان‌نویسی پس از انقلاب

بررسی آثار نویسندگان دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، که بیش‌تر به فرم پرداختند و فرم‌گرا بودند، از ضروریات این بخش است، درحالی‌که نام و نمونه آثار ایشان در کتاب مغفول مانده است.

در ادبیات معاصر ایران، جریانی در داستان‌نویسی پدید آمد که تلاش کرد ثبت ارزش‌های دینی و مذهبی به مثابه فضیلت‌های انسانی را دنبال کند. دوره‌هایی را می‌توان در پس از انقلاب بازشناسی کرد که ضرورت دارد از هر دوره چند اثر برجسته واکاوی شوند. متأسفانه، در اثر حاضر، این واکاوی انجام نشده است. هریک از این دوره‌ها باتوجه‌به

مؤلفه‌های تاریخی‌شان تأثیراتی در داستان ایرانی داشته‌اند که به‌ضرورت باید آثار این ادوار مدنظر قرار گیرد.

نویسنده با تکیه بر عنوان داستان دینی با اصل ماجرا برخوردی غیرآکادمیک داشته است، حال آن‌که همه این موارد را باید در کنار هم‌دیگر دید، چراکه وظیفه تاریخ‌نگاری در حوزه ادبیات داستانی پس از انقلاب این نیست که برخی آثار را حذف و برخی را برجسته سازد. انتخاب با ما نیست که به معرفی ادوار می‌پردازیم، ضمن این‌که در ادبیات داستانی دینی تأمل بر عناصر ادبیات دینی است و ممکن است به‌دلایلی بافت تاریخی، اجتماعی، و سیاسی دوره‌ها در تحلیل گفتمان کنار گذاشته شوند.

در دهه ۱۳۶۰، نویسندگان نوقلمی به جرگه داستان‌نویسان پیوستند که عموماً آن‌ها را جوانان پرشور انقلابی تشکیل می‌دادند. انقلاب، جنگ، و ارزش‌های حاکم بر آن دوره‌ها اصلی‌ترین مضامین آثار این نویسندگان را تشکیل می‌داد و در غالب آثار آن‌ها بینش دینی متأثر از گفتمان سیاسی حاکم بود.

جریان اصلی داستان‌نویسی پس از انقلاب سوبه‌ای انتقادی دارد که عموماً از سوی نویسنده کتاب حمل بر دگراندیشی شده است، حال آن‌که ذات داستان تأمل بر واقعیت‌های اجتماعی و تحلیل عمقی آن‌هاست. ضروری است تقسیم‌بندی ادواری داستان‌نویسی پس از انقلاب دقیق‌تر و عمقی‌تر مطالعه و جمع‌بندی شود؛ مثلاً داستان طنز رشدی بسیار حیرت‌انگیز در پس از انقلاب داشته، به‌گونه‌ای که این گونه ادبی نظرها و آثار شگرفی را برجای گذاشته است، درحالی‌که در کتاب حاضر هیچ اشاره‌ای به طنز داستانی پس از انقلاب نشده است.

۲.۲.۲ بی‌توجهی به مؤلفه‌ها در گزینش نویسندگان ادبیات داستانی

معلوم نیست نویسنده کتاب براساس چه مؤلفه‌هایی بعضی نویسندگان را در کنار هم قرار داده است، درحالی‌که از هیچ نقطه‌نظری قابل‌مقایسه نیستند. این انتخاب‌ها دل‌بخوایی نیست تا هر نویسنده‌ای به‌میل و علاقه خود کسانی را به‌عنوان نویسندگان انقلاب اسلامی طرح کند یا از جرگه نویسندگان انقلاب خارج سازد. نویسنده می‌توانست با مرور کتاب‌ها و مقالاتی که درباره داستان‌نویسی در ایران، به‌ویژه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، نوشته شده است صورتی علمی‌تر به این مبحث ببخشد.

۳.۲.۲ بی‌توجهی به تأثیر ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران

بخشی عمده از تأثیر ادبیات ایران پس از انقلاب را می‌توان بخش برون‌مرزی داستان دانست؛ مثلاً تأثیری که داستان‌نویسی ایران در داستان‌نویسان کشور افغانستان داشته است قابل اغماض نیست. امروزه، به‌بیان خود نویسندگان افغانستان، ادبیات انقلاب و هم‌چنین بزرگان این ادبیات در تربیت و پرورش نویسندگان و آثار فاخر ادبی در افغانستان سهمی انکارناشدنی دارند.

۴.۲.۲ حذف ادبیات داستانی مهاجرت

در آثاری از این دست حتماً باید از ادبیات مهاجرت ایران یاد کرد. صرف‌نظر از این‌که این آثار در پی چه مفاهیم و موضوعاتی‌اند، بیان تیتروار و تک‌سطری می‌توانست کتاب را از این نظر ارزش‌مند سازد. این‌که ما یک بخش را از اساس کنار بگذاریم با رویکرد علمی به مسئله مغایرت دارد. گروهی از نویسندگان هستند که گرچه در گروه ادبیات مهاجرت می‌گنجند و در خارج از ایران زندگی می‌کنند، دلشان برای آرمان‌های کشورشان می‌تپد و در پی سربلندی کشور خودند. آیا باید آن‌ها نیز به‌کناری نهاده شوند؟ در قلمرو تاریخ‌نگاری ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، کتاب‌هایی از سوی نویسندگان تدوین و منتشر شده است که مطالعه آن‌ها می‌توانسته است در تحلیل علمی‌تر و اصولی‌تر کتاب حاضر مؤثر باشد.

۵.۲.۲ اشاره نکردن به بنیان‌گذاران ادبیات انقلاب اسلامی

همان‌طور که در بخش شعر نیز ذکر شد، در سال ۱۳۵۷ کنگره‌ای با حضور شعرا و نویسندگان معاصر ایران برگزار شد که در تاریخ ادبیات ایران با عنوان «همایش ده شب» شناخته می‌شود. در این کنگره، تنی‌چند از نویسندگان و شاعران انقلاب اسلامی نیز حضور داشتند؛ از جمله سیدعلی موسوی گرمارودی، سیمین دانشور، محمود گلاب‌دره‌ای، و طاهره صفارزاده. برخی از همین شاعران و نویسندگان در آغاز شکل‌گیری «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» پایه و بنیان ادبیات پس از انقلاب را در قلمروهای داستان، شعر، نمایش‌نامه، نقد ادبی، و مباحث تئوری نقد و سینما گذاشتند. لذا، می‌توان داستان، شعر، نقد ادبی، و نمایش‌نامه را قالب‌هایی دانست که پس از انقلاب به تحولی چشم‌گیر رسیده‌اند. بخشی فهرست‌وار از این تحولات ادبی را می‌توان در کتاب *ادبیات نوین ایران* دید که به بررسی دوره بیست‌ساله از ادبیات پس از انقلاب اسلامی پرداخته است.

۶.۲.۲ ضعف و نقص کلی در معرفی نویسندگان

ادبیات داستانی انقلاب اسلامی با بیش از هفتصد اثر داستانی بسیار ارزشمند از نویسندگان ایران پس از انقلاب، امروز، جایگاهی انکارناپذیر در جهان ادبیات دارد. در اثر حاضر، تنها معدودی از داستان‌نویسان نام برده شده‌اند که از ضعف‌های اساسی این کتاب است. در بخش داستان می‌بایست، ضمن نام‌بردن از کلیه داستان‌نویسان برجسته پس از انقلاب، قسمت‌هایی از برخی آثار شاخص نیز ارائه می‌شد.

۷.۲.۲ ذکر برخی مسائل و موارد غیرعلمی یا غیرضروری

به‌عنوان نمونه، آوردن مطالب صفحه ۲۳۴ از قول یک مقام سیاسی و امنیتی در سفارت و در بخش نمونه داستانی از ادبیات پس از انقلاب اسلامی چه توجیهی دارد؟! نویسنده در صفحات ۲۴۷ و ۲۴۸ داستان‌های ارزش‌محور را معرفی می‌کند. این تقسیم‌بندی از کتاب *گفتمان سکوت*، بخش مصاحبه با عبدالعلی دست‌غیب، بدون ذکر مأخذ برداشت شده است. مواردی از این دست در کتاب اندک نیست، که در «بخش محتوایی اثر» با تفصیل بیش‌تر به آن پرداخته شده است.

آنچه تا این‌جا گفته شد ناظر بر «ادبیات انقلاب اسلامی» در مفهوم «ادبیات پس از انقلاب اسلامی» بود، که در عنوان کتاب بر آن تأکید شده است و به همین دلیل، می‌بایست انواع بیش‌تری از آثار و دیدگاه‌های ادبی، اعم از شعر و نثر، را در بر می‌گرفت که در بخش معرفی کلی اثر تقریباً به تفصیل به آن اشاره شد، اما چنان‌چه منظور نویسنده «ادبیات انقلاب اسلامی» به مفهوم خاص آن باشد، می‌بایست در وهله اول این مسئله برای مخاطب به‌روشنی تبیین می‌شد.

محمدرضا سنگری، در کتابی با عنوان *قلم‌های قذبلند*، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی را برای «ادبیات انقلاب اسلامی» مشخص کرده و شعر و داستان انقلاب اسلامی را، باتوجه‌به این مؤلفه‌ها، نقد و بررسی کرده است. وی در این کتاب ویژگی‌های عمومی زیر را برای ادبیات انقلاب اسلامی، در مقایسه با ادبیات پیش از خود، به‌ویژه ادبیات قبل از انقلاب ۱۳۵۷، برمی‌شمارد:

۱. نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها، و هنجارهای اسلام و فرهنگ شیعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ادبیات انقلاب اسلامی حضور روشن و گسترده دارد.
۲. ادبیات انقلاب اسلامی امیدوار و آرمان‌گراست.

۳. مردم‌گرا و مردمی است.
۴. نگاه هم‌زمان آفاقی و انفسی به مسائل دارد.
۵. باهم‌آیی و تلفیق ملیت و دین در آثار ادبی انقلاب بارز و محسوس است.
۶. باهم‌آیی و هم‌زمانی سنت و نوآوری از شاخصه‌های ممتاز ادبیات انقلاب است.
۷. پویایی، سرزندگی، و زاینده‌گی از ویژگی‌های آن است.
۸. تلفیق، ترکیب، و باهم‌آیی گونه‌های ادبی در ادبیات انقلاب بارز و محسوس است.
۹. کثرت و فراوانی شاعران و نویسندگان، چه در حوزه ادبیات بزرگسال و چه در ادبیات کودک و نوجوان، قابل توجه است (این کثرت به لحاظ کیفی نیز چشم‌گیر است).
۱۰. به لحاظ معنایی، موضوعی، و جغرافیایی کرانه‌ناپذیر است.
۱۱. فراگیر و همگانی است.
۱۲. تنوع و کثرت نمادها و شبکه‌های واژگانی در آن قابل ملاحظه است.
۱۳. متانت و وقار ادبی (نجابت و حیای تکنیک دارد).
۱۴. باهم‌آیی گذشته، حال، و آینده در آن مشهود است (سنگری ۱۳۹۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سنگری در تعریف «ادبیات انقلاب اسلامی» توجه خود را به جای ویژگی‌های ادبیات یک دوره تاریخی خاص (سال ۱۳۵۷ به بعد)، با هر گرایش و محتوایی، معطوف به ادبیات این دوره خاص، با تأکید بر ویژگی‌های محتوایی، کرده است. چنان‌چه وی تأکید را تنها بر دوره تاریخی خاص می‌گذاشت، مطمئناً آثار و چهره‌های ادبی شاخص دیگری، که به هر حال در تاریخ ادبیات ایران سهم و نقشی دارند، در اثر وی مطرح می‌شدند، حتی اگر محتوای آثارشان علیه انقلاب اسلامی بوده باشد.

سنگری، با همان دقت نظر، با توجه به تاریخ بعد از ۱۳۵۷، با محتوا و شاخص‌های ویژه، به تعریف «شعر انقلاب» پرداخته است که در ذیل خلاصه‌وار به آن اشاره می‌شود:

وی می‌نویسد: شعر انقلاب اسلامی ادامه شعر گذشته فارسی است و دایره تحول آن، چه از نظر گاه مضمون و درون‌مایه و چه از نظر قالب و شکل، همه قلمروهای گذشته را در بر می‌گیرد. از نظر گاه قالب و شکل نیز، نه تنها قالب‌های کلاسیک و سستی و نو (نیمایی و سپید) به وفور در تمام دوره‌های حیات انقلاب به کار گرفته شده‌اند که نوآوری‌هایی نیز در فرم و شکل صورت پذیرفته است. در حوزه معنا نیز، نگاه تازه و فضاهایی نو را در شعر انقلاب می‌توان جست‌وجو کرد.

وی، بعد از این مقدمه، شعر انقلاب اسلامی را به‌لحاظ محتوا و درون‌مایه و به‌اعتبار کمی و کیفی آن به حوزه‌های زیر تقسیم می‌کند:

۱. حوزه شعر دینی و آیینی؛
۲. شعر دفاع مقدس؛
۳. شعر عارفانه و عاشقانه؛
۴. شعر اجتماعی؛
۵. شعر جهانی انقلاب اسلامی؛
۶. شعر حکمی؛
۷. شعر طنز؛
۸. شعر کودک و نوجوان (سنگری ۱۳۹۷: ۴۷-۵۰).

وی، در مورد ادبیات داستانی انقلاب اسلامی نیز، پس از مقدمه‌ای نسبتاً مفصل، ویژگی‌های زیر را ذکر می‌کند:

۱. ادبیات داستانی انقلاب، متأثر از فرهنگ و فضای نو، سرشار از تعالیم دینی انقلابی و مظاهر فرهنگ شیعی است.
۲. صبغه بومی و ملی دارد.
۳. به واقعیت زندگی، کنش، باور، و منش ایرانی و مردمی نزدیک شده است.
۴. رها از قید تقلید و در تلاش برای درافکندن طرحی نو با بهره‌گیری از مایه‌های فرهنگ دینی و ملی در ساختار و محتواست.
۵. در دهه شصت، محتوا بر تکنیک برتری می‌یابد و سپس به ترازمندی و تعادل می‌رسد.
۶. نوعی وقار، به‌ویژه در قلمرو مضامین عاشقانه، در آن آشکار است.
۷. از ظرفیت‌های ادبی دیگر به‌نفع داستان بهره‌گیری شد، هم‌چنان‌که از ظرفیت داستان برای پرورش گونه‌های دیگر ادبی استفاده شد.
۸. چهره زن از تصویرها و ترسیم‌های تحقیرآمیز گذشته در فضای ادبیات داستانی فاصله گرفت.
۹. حضور زنان داستان‌نویس نسل انقلاب قابل‌قیاس با قبل از انقلاب نیست.
۱۰. نقد ادبی داستان گسترش و ژرفای فراوان یافت (همان: ۵۳-۵۴).

وی نهایتاً نویسندگان و شاعران انقلاب را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. نویسندگان و شاعرانی که کار ادبی خود را قبل از انقلاب آغاز کردند و با وقوع انقلاب اسلامی به هم‌راهی و هم‌دلی با آنان پرداختند.
۲. نویسندگان و شاعرانی که درخشش ادبی آنان متعلق به عصر انقلاب است.
۳. نویسندگان و شاعران نسل دوم که پس از نسل اول درخشیدند و جایگاه و پایگاه ادبی یافتند.
۴. نسل سوم شاعران و نویسندگان که در حوزه‌های گوناگون ادبی آثاری قابل‌اعتنا را رقم زده‌اند و می‌زنند (همان: ۵۵-۵۶).

۳. نقد شکلی اثر

الف. ناهم‌خوانی طرح روی جلد با محتوای کتاب

از آن‌جاکه محتوای کتاب علمی و تخصصی است، بهتر بود طرح روی جلد نیز تابع همین محتوا باشد، در حالی که طرح محتوای سیاسی را به‌ذهن متبادر می‌کند. هم‌چنین، رنگ روی جلد (نارنجی روشن)، به‌لحاظ چرک‌تابی، مناسب کتابی نیست که به‌عنوان کتاب درسی قرار بوده است مورد مطالعه دانشجویان قرار بگیرد.

ب. رعایت نکردن صحیح علائم سجاوندی

از علامت ویرگول در مواردی که وجود آن در جمله لازم است استفاده نشده یا استفاده درست نشده است. این مورد به‌صورت مکرر در متن دیده می‌شود و ناآشنایی نگارنده با کاربرد علامت ویرگول را نشان می‌دهد. برای نمونه، به دو مورد اشاره می‌شود: «شاید درست باشد که علت این اختلاف، احوالی را در تفاوت امزجه... و اعصاب بجویند. اما باید اذعان کرد...».

قبل از واژه «اما» باید به‌جای نقطه از ویرگول استفاده می‌شد (حجازی ۱۳۹۴: ۲).

هم‌چنین در جمله زیر:

«ملی‌گرایی او بر محور وطن‌دوستی صرف نیست بلکه، با تکیه بر...» (همان: ۸).

در جمله بالا، ویرگول باید قبل از واژه «بلکه» بیاید، نه بعد از آن.

در مواردی نیز پس از واژه «و» ویرگول آمده است. این نوع اشکال در کتاب بسیار است، اما در مورد سایر علائم سجاوندی مشکل چندانی ملاحظه نمی‌شود.

ج. ایرادهای نگارشی - ویرایشی

۱. در مواردی یای نکره با صفت آمده است که صورت ارجح استفاده از آن پس از موصوف است. برای نمونه، به مواردی اشاره می‌شود: «موقعیت مناسبی»، «نقش به‌سزایی»، «ویژگی‌های قابل‌تعمیمی»، «رشد معجزه‌آسایی»، «دل‌بستگی‌های کهنی»، و... (به‌علت مکرر بودن مورد، از ذکر شماره صفحات خودداری می‌شود).

۲. در پایان واژه‌های مختوم به واو مانند «پرتو» که واو صدای «ow» می‌دهد یای میانجی آورده شده است، در صورتی که در این‌گونه موارد آوردن «ی» توصیه نمی‌شود. برای مثال: «در پرتوی فراملی‌گرایی...» باید به صورت «در پرتو فراملی‌گرایی...» نوشته شود.

۳. به‌طور مکرر، از «نمودن» به جای «کردن» استفاده شده است: «... نمی‌توان [برای آن] ویژگی‌های قابل‌تعمیمی مشخص نمود» (حجازی ۱۳۹۴: ۳)؛ «موجبات اعتماد به نفس خود را با بیگانگان فراهم نموده‌اند» (همان: ۶)؛ و بسیاری موارد دیگر.

۴. «گردیدن» به جای «شدن» به کار رفته است: «... تعلقات دینی پایه ناسیونالیسم و... پاکستان گردید» (همان: ۷).

۵. واژه «می‌باشند» به جای «هستند» به کار رفته است: «مخاطب اسلام تمام انسان‌ها می‌باشند» (همان)، و موارد بسیار دیگر.

۶. گاه برخی واژه‌ها دو یا سه بار در دو جمله پشت‌سرهم تکرار شده است. برای نمونه، تکرار واژه «شد» (همان: ۱۱۰) با اندکی دقت ویراسته‌شدنی بوده است.

۷. در جدانویسی و سرهم‌نویسی واژه‌های مرکب هماهنگی و یک‌دستی وجود ندارد. برای مثال: «دل‌بستگی»، «عرفان‌گرایی»، و موارد متعدد دیگر.

۸. طرز چینش سطرها و مصراع‌های شعرها یک‌دست نیست. برای مثال، در یک صفحه واحد (مثلاً، همان: ۱۳۶) سه شعر کلاسیک به سه شکل مختلف نوشته شده‌اند: در یک شعر، مصراع‌ها روبه‌روی هم آمده است. در دیگری به صورت ضرب‌دری نوشته شده است، و در یکی دیگر به صورت نثر در یک سطر آمده است. در ضمن، شعر «آی آدم‌ها»ی نیما یوشیج، که شعر نو است، به صورت شعر کلاسیک، مصراع‌هایش روبه‌روی هم چیده شده است.

د. غلط‌های املائی و تایی

این‌گونه غلط‌ها اگرچه زیاد نیست، گاهی فاحش است. برای مثال، دو بار در دو صفحه مختلف واژه «نهر» به صورت «نحر» آمده است (بار اول در، حجازی ۱۳۹۴: ۵۸). در صفحه ۱۹۹ نیز «سبک و سیاقی» به صورت «سبک و سیاحتی» نوشته شده است، اما در مجموع غلط‌های تایی قابل ملاحظه نیست.

ه. رعایت نکردن اصول ارجاع‌دهی

در بسیاری موارد، درحالی‌که در ارجاع‌دهی نظر یک نویسنده ایرانی آورده شده به منبعی ارجاع داده شده که به زبان انگلیسی است. برای مثال: «مسکوب بر این باور است...» (Banuazizi 2003)، درحالی‌که نگارنده می‌توانسته است در چنین مواردی از منابع فارسی آرای همین نویسنده را ذکر کند. ضمناً، در همین ارجاع‌دهی‌ها شماره صفحه ذکر نشده است. در صفحه ۲۴ نیز ارجاع‌دهی به (Boroujerdi 2003) همین اشکال را دارد.

در بسیاری موارد دیگر، درخصوص شعرها، به جای ارجاع‌دهی به مجموعه شعرها و دفترهای شعر خود شاعران، آثار آن‌ها از منابع غیراصلی و کتاب‌های دیگران نقل شده است: برای مثال، چنین ارجاعی را در صفحه ۱۰۸ می‌بینیم: بیگی حبیب‌آبادی به نقل از حسینی ۱۳۸۷: ۹۷. هم‌چنین، شعر خوش‌دل تهرانی به کافی ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۷۴ ارجاع داده شده است. این ارجاع را در ذیل شعری از مردانی ملاحظه می‌کنیم: قاسمی به نقل از مردانی، ۱۳۸۴: ۱۹۴. هم‌چنین است: میرجعفری به نقل از میرشکاک ۱۳۷۶: ۹۲؛ شاه‌رخسی به نقل از بقالان ۱۳۹۷: ۶۳؛ رستگار به نقل از حسینی ۱۳۷۳: ۲۵؛ نجف‌زاده به نقل از امین‌پور ۱۳۷۲: ۳۸؛ و بسیاری دیگر.

گاهی در ذیل شعر تنها نام شاعر آورده شده و به منبعی که شعر از آن انتخاب شده ارجاع داده نشده است (حجازی ۱۳۹۴: ۹۷، ۹۹، ۱۰۰).

برای استفاده از واژه متداول «همان» برای ارجاع به موارد بالاتر در متن از «همو»، «همان‌جا»، و خود «همان» به‌تناوب استفاده شده است. این کار جز آن‌که به یک‌دستی کار لطمه زده است توجیه دیگری ندارد.

۴. نقد محتوایی اثر

نگارنده در پیش‌گفتار کتاب هدف خود را از نگارش آن انسجام‌بخشیدن به مباحث درسی دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت عنوان کرده و با این نگاه به تنظیم محتوا پرداخته است. با توجه به این امر، نکات زیر درخور ذکر است:

- به دلایل ذکر شده در بخش‌های مقدمه و معرفی کلی اثر، باید گفت که مطالب به‌علت نداشتن نگاه علمی با سطح علمی مخاطبان، که دانشجو و طالب نقد علمی اصولی و روش‌مندند، مناسب نیست.

- از ابزارهای علمی مانند تمرین و تصویر در کتاب استفاده نشده، اما دوازده نمودار در اثر وجود دارد.

- در سطح ترسیم‌شده از سوی نویسنده اثر، صرف‌نظر از اشکالات محتوایی و شکلی، کتاب به‌لحاظ ساختار و رویکرد علمی پاسخ‌گوی نیازهای علمی دانشجویان در زمینه ادبیات انقلاب اسلامی نیست.

- به دلایلی که در بخش‌های مقدمه و معرفی کلی اثر آورده شد، اثر از نظم منطقی و انسجام درونی برخوردار نیست.

- در خصوص محتوا، تحلیل‌ها، و تبیین‌های ارائه‌شده، نکات زیر قابل ذکر است:

- در صفحه ۲ نگارنده می‌نویسد: «جریان‌های شعری در دو سطح زیرساخت و روساخت جامعه به حرکت خود ادامه دادند. زیرساخت حرکت پنهان شعر غیرمتعهد و روساخت حرکت آشکار شعر متعهد است که...».

- استفاده از اصطلاحات «زیرساخت» و «روساخت» که مفاهیم علمی جاافتاده‌ای در علم زبان‌شناسی دارند در تبیین مفهوم موردنظر نگارنده اصولی نیست؛ ضمن این‌که به‌لحاظ محتوایی نمی‌توان «زیرساخت» موردنظر را «حرکت پنهان شعر غیرمتعهد» و «روساخت» را «حرکت آشکار شعر متعهد» تلقی کرد. این‌ها در واقع دو جریان متفاوت‌اند، که اصولاً یکی روساخت دیگری نمی‌تواند باشد.

- استفاده از کلمه «معجزه‌آسا» و دیگر عبارات‌های جانب‌دارانه در معرفی و نقد یک اثر در متن علمی اصولی نیست (حجازی ۱۳۹۴: ۳).

در بسیاری موارد دیگر، شاهد قضاوت‌های شخصی و جانب‌دارانه از سوی نگارنده در مورد آثاریم؛ مثل استفاده از واژه‌هایی چون «زیبا» و «زیباترین» در مورد برخی آثار.

مسئله بسیار مهم در بخش شعر این است که در شعرهای ذکرشده در کتاب در موارد متعدد اشکالات وزنی وجود دارد، که می‌تواند به علت اغلاط تایی باشد. این موارد فراوان است و در اثری که حول محور شعر و داستان انقلاب اسلامی می‌چرخد از دو حالت خارج نیست؛ علت یا مسامحه نویسنده یا عدم اشراف وی به وزن شعر فارسی است که در چنین کتابی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست. به برخی از موارد اشاره می‌شود:

- «جا تو تا آسمان جولان کنی است» (همان: ۱۹)، باید باشد: «جای تو تا در آسمان جولان کنی است».
- «درمانده‌ام ز وصف توای سرخ سرخ» (همان: ۵۰)، واژه‌ای جا افتاده است.
- «برخیز روی نیزه بین صف کشیده‌اند» (همان: ۵۱)، باید باشد: «برخیز روی نیزه بین صف کشیده‌اند».
- «آخر چرا ای ماه بیرون نمی‌آیی؟» (همان: ۵۵)، باید باشد: «آخر چرا ای ماه من بیرون نمی‌آیی؟».
- «اگر نبودی رهبر دینم خدا داند هگرز» (همان: ۵۷)، باید باشد: «گر نبودی رهبر دینم خداوند داند هگرز».
- «آن پری روی ناز پرور من بعد یک عمر انتظار آید» (همان: ۷۰)، باید باشد: «آن پری روی نازپرور من بعد یک عمر انتظار آمد».
- «جامه زهد و ریا کندم و بر تن کردم... خرقه پیر خراباتی و هوشیار شدم» (همان: ۸۱)، باید باشد: «جامه زهد و ریا کندم و بر تن کردم... خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم».
- «حتی خیال نای اسماعیل را» (همان: ۱۱۶)، باید باشد: «حتی خیال نای اسماعیل خود را».
- «سفر بخیر اگر ره‌توشه‌ای داری» (همان: ۱۲۳)، باید باشد: «سفر به‌خیر اگر راه‌توشه‌ای داری».

در سه سطر زیر از شعر «سارا» غلط وزنی و املائی وجود دارد:

- «سبحان ربی الله من و سارا... بحمده».
- «سبحان ربی الله من و سارا... دلش گرفت».

- «سبحان ربی الله من و سارا... به هم رسید».
 - که به ترتیب باید به صورت‌های زیر نوشته شوند:
 - «سبحان ربی الله من و سارا... بحمده».
 - «سبحان ربی الله من و سارا... دلش شکست».
 - «سبحان ربی الله من و سارا... به هم رسید».
- ضمناً درحالی که شعر بالا به صورت کامل آورده شده نام شاعر در ذیل آن قید نشده و تنها یک آدرس اینترنتی در پایان شعر ذکر شده است.
- * «گاه سفر را چاووشان فریاد کردند» (همان: ۱۴۷)، باید باشد: «گاه سفر را چاووشان فریاد کردند».
 - * در شعر محمدکاظم کاظمی، مصراع «... که حتی ندیدم خاکسترت را...» (همان: ۱۰۷)، واژه «ندیدم» باید به «ندیدیم» اصلاح شود.
 - * «من پرسش سوزان حسینم یاران با خنجر عشق آیم بدهید» (همان: ۱۵۴)، باید بشود: «من پرسش سوزان حسینم یاران با خنجر عشق جوابم بدهید».
 - * در مصراع «دوست ندارد آن که دارد سر دوست» (همان: ۱۳۶)، باید به ابتدای مصراع واژه «سر» اضافه شود.
 - * درحالی که بارها به مناسبت‌های مختلف از سهیل محمودی در کتاب نام برده شده هیچ نمونه شعری از وی ذکر نشده است.
 - * گاه بین دو شعر مجزا هیچ فاصله‌ای نیامده است؛ انگار شعر دوم دنباله شعر اول است و اگر خواننده حساس به وزن نباشد، نمی‌تواند این مسئله را تشخیص بدهد (همان: ۵۳).
 - * گاه، در کنار نام شاعران برجسته و شعرهای شایسته درج شده در کتاب، شعرهایی از شاعرانی آورده شده است که اصلاً در حد شعرها و شاعران دیگر نیستند. برای نمونه، شعر غضنفری مقدم (۱۳۸۴: ۷۸) نه تنها فاقد شاعرانگی لازم است که اشکالات وزنی مشخصی هم دارد (حجازی ۱۳۹۴: ۶۹).
 - * گاه از یک قطعه نثر به جای شعر استفاده شده است: «کسی که بی رخصت او هیچ چیز به پایان نمی‌رسید یا اصلاً شروع نمی‌شد، و بی حضور او همه چیز غایب بود» (همان).

- * نگارنده طلایه‌داران و ریشه‌های عرفانی در شعر پس از انقلاب را ابتدا امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی و بعد شاعران دیگری چون حسین اسرافیلی، سهیل محمودی، قیصر امین‌پور، و... قید کرده است، درحالی‌که شعرهای امام (ره) بعد از رحلت ایشان به چاپ رسید و ذکر نام ایشان به عنوان طلایه‌دار اندیشه‌های عرفانی در شعر پس از انقلاب درست نیست؛ ضمن این‌که امام داعیه شاعری حرفه‌ای نداشتند و آثارشان نباید با آثار شاعران حرفه‌ای مقایسه شود.
- * در صفحه ۱۰۴ ذیل عنوان «نمونه‌هایی از نوستالژی، دوری از معشوق در شعر نیما و اخوان ثالث» تنها نمونه‌ای از شعر اخوان آورده شده است. لذا، ذکر نام نیما در عنوان موردی نداشته است.
- * در صفحه ۱۵۳، نگارنده به جای نقد علمی و اصولی به قضاوت و کلی‌گویی در مورد شعر سیدحسن حسینی پرداخته است. در فصل چهارم که به مثنوی «مرداب‌ها و آب‌ها» از سیدحسن حسینی اختصاص دارد اصل شعر آورده نشده و بعد از یک مقدمه کوتاه ناگهان به نقد شعر نوی حسینی و ارائه نمونه‌ای از آن و سپس موسیقی شعر وی پرداخته و بعد سخن از شعر اعتراض حسینی گفته است. در ادامه شعر اعتراض حسینی، دو شعر اعتراض دیگر نیز از قزوه آورده و سرانجام به ذکر بیت‌هایی از شعر حسینی در مثنوی «مرداب‌ها و آب‌ها» و صحبت درباره آن پرداخته است (همان: ۱۵۶، ۱۵۷). از شیوه کار این‌طور برمی‌آید که گویا این فصل یک بحث کلاسی بوده که به همان صورت پیاده و چاپ شده است!
- * شعری از محمدرضا عبدالملکیان با مضمون جنگ به جای ذکر منبع اصلی به یک منبع اینترنتی ارجاع داده شده است.
- * بعضی جمله‌های سست و شعاری در متن دیده می‌شود. برای نمونه: «داستان‌هایی که پس از پیروزی انقلاب به رشته تحریر درآمده‌اند عمدتاً از نظر تأثیر عاطفه فعال سرشار و بی‌کم‌وکاست بوده‌اند» (همان: ۱۷۱).
- * نگارنده در بخش داستان (همان: ۱۸۴) نویسندگان را به دو گروه اول و دوم تقسیم می‌کند که گروه اول شامل سمیرا اصلان‌پور، راضیه تجار، مریم جمشیدی، زهرا زواریان، و گروه دوم شامل مهدی شجاعی و... است، اما وقتی از داستان‌های گروه اول نمونه می‌آورد به «باغ بلور» اثر مخمل‌باف می‌پردازد، درحالی‌که در گروه اول اصلاً از وی نامی برده نشده است.

گاه به توضیح و اوضحات و موارد مسلم درخصوص ویژگی‌های برخی آثار پرداخته شده است. برای مثال، در صفحه ۲۱۶، در مورد نوشته‌های ادبی یادداشت‌نویس‌های انقلاب و جبهه و جنگ می‌نویسد: «بازتاب آیات قرآن در بعضی از یادداشت‌های این دوره برجستگی آنان را در مقایسه با یادداشت‌نوشته‌های پیش از انقلاب و غیرایرانیان نشان می‌دهد». در قسمت یادداشت‌ها (همان: ۳۳۲-۳۳۶) توضیحاتی در مورد برخی فرقه‌ها و شخصیت‌ها آمده است که معلوم نیست علت برجسته کردن آن‌ها نسبت به دیگر موارد و افراد چیست. برای مثال، از بین تمامی شاعران و نویسندگانی که کتاب به آثارشان پرداخته در این قسمت تنها به ارائه زندگی‌نامه مختصری از موسوی گرمارودی، سیدحسن حسینی، دو شخصیت خارجی، و یک نویسنده پرداخته است، بی‌آن‌که به علت این گزینش اشاره شود.

- * فهرست منابع کامل نیست. هم‌چنین، نام برخی شاعران و نویسندگان با ذکر صفحات مربوط در نمایه وجود ندارد.

۵. ارزیابی نهایی اثر

نقاط قوت و ضعف کتاب چشم‌اندازی به تحولات ادبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه شعر و داستان را می‌توان به شکل زیر جمع‌بندی کرد و پیش‌نهادهایی برای اصلاح کتاب در چاپ‌های بعدی ارائه داد.

الف. نقاط قوت

اگر نقطه قوتی در اثر باشد مربوط به صفحه‌بندی قابل قبول آن است.

ب. نقاط ضعف

- ایرادات کلی به رویکرد و شیوه نگاه نویسنده به موضوع وارد است که به تجدیدنظر کلی نیاز دارد و در بخش «معرفی کلی اثر» به تفصیل به آن پرداخته شده است.
- رنگ روی جلد با محتوای کتاب هم‌خوانی ندارد و چون چرک‌تاب نیست، برای کتابی که قرار بوده است کتاب درسی باشد مناسب نمی‌نماید. طرح روی جلد، به جای نگاه علمی، نگاه سیاسی نویسنده به موضوع را به ذهن متبادر می‌کند.
- اشکالات فراوان در ارجاعات وجود دارد.

معرفی و نقد کتاب چشم‌اندازی به تحولات ... (فاطمه راکعی) ۲۶۹

- اشکالات متعدد وزنی در اشعار منتخب به علمی بودن اثر (که موضوع اصلی آن شعر و داستان است) لطمه جدی زده است.
- اشکالات تایپی و بعضی غلط‌های املائی در شعرها و در متن دیده می‌شود.
- قضاوت و بیان احساسات شخصی نگارنده در مورد آثار و افراد به ارزش علمی کار لطمه زده است.
- در رسم الخط، ناهماهنگی و نایک‌دستی در نوشتار ملاحظه می‌شود.
- اشکالات سجاوندی و نگارشی - ویرایشی در اثر دیده می‌شود.
- آوردن نام آثار برخی افراد ناشناس با آثاری ضعیف در کنار نام‌های شناخته شده‌ای که شعر انقلاب را نمایندگی می‌کنند به وجهه علمی کتاب لطمه زده است.
- نویسنده در انتخاب آثار شاعران انقلاب به دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ اکتفا کرده و در انتخاب این آثار نیز دقیق نبوده، به نحوی که بسیاری از آثار ارزش‌مند شاعران برجسته انقلاب در کتاب وجود ندارد و در عوض آثاری از افراد کم‌تر شناخته شده با آثاری ضعیف ذکر شده است. این در حالی است که چاپ نخست کتاب سال ۱۳۹۴ است، و در این فاصله فرصت بازنگری و به‌روزرکردن موارد وجود داشته است.
- وجود برخی غلط‌های املائی و سجاوندی، به علت تکرار، صرفاً غلط تایپی نمی‌نماید.

۶. نتیجه‌گیری

به دلیل اشکالات مختلف رویکردی، شکلی، و محتوایی لازم است تجدیدنظرها و اصلاحات زیر در کتاب صورت پذیرد. در این صورت، این اثر می‌تواند در کنار آثار دیگر از این نوع به عنوان منبعی برای مطالعه دانشجویان رشته ادبیات و دیگر علاقه‌مندان مورد استفاده قرار گیرد.

- ویرایش کامل ادبی و فنی کتاب و تغییر طراحی و رنگ روی جلد؛
- تغییر نوع نگاه انتقادی نویسنده به موضوع «ادبیات انقلاب اسلامی»؛
- دقت جدی در درست‌نویسی شعرها، به صورتی که کوچک‌ترین اشکال وزنی، نوشتاری، یا تایپی در آنها نباشد؛
- شیوه ارجاع‌دهی اصلاح شود؛

- نویسنده از غلو در مورد افراد و آثار پرهیزد و از قضاوت و بیان عقاید و احساسات شخصی در مورد آن‌ها اجتناب کند؛
- از ذکر نام و آثار افراد ناشناخته، به‌ویژه آثار ضعیف، در کنار نام و آثار چهره‌های شاخص شعر انقلاب اسلامی پرهیز شود؛
- از کتابی که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است انتظار می‌رود آثار شاعران را لااقل تا پایان دهه ۱۳۸۰ دیده و در هر زمینه بهترین و آخرین آثار را انتخاب کرده باشد؛
- بهتر است کتاب در دو جلد مجزا با دو عنوان زیر منتشر شود:
«چشم‌اندازی به تحولات شعر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران»؛
«چشم‌اندازی به تحولات داستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران».
- هریک از این کتاب‌ها، در صورت ذکر همه موارد ارزش‌مند و نقد اصولی آثار، برای آن‌که به صورت کتابی مجزا چاپ و نشر شود، دارای حجم لازم خواهد بود؛
- از دهه ۶۰-۷۰ تا امروز زمان زیادی گذشته و لازم است برای چاپ بعدی به آرا و نظرات دیگر منتقدان و شیوه تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی دیگر صاحب‌نظران از آثار ادبی انقلاب، به‌ویژه شاعران و نویسندگان انقلاب و منتقدان متعهد به ادبیات انقلاب اسلامی، توجه شود؛
- به دلیل اشکالات موجود، به صورت فعلی، کتاب واجد شرایط انتخاب به عنوان کتاب درسی نیست؛
- پس از رفع اشکالات بنیادی و جزئی و به‌روزرسانی آرا و نظریات و استفاده از نقطه‌نظرهای علمی دیگر منتقدان در مورد آثار ادبی انقلاب، این کتاب را می‌توان به عنوان یک منبع برای مطالعه در کنار کتب درسی اصلی مربوط به این حوزه توصیه کرد.

کتاب‌نامه

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۰)، *از صبا تا نیما*، تهران: زوار.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۴)، *از نیما تا روزگار ما*، تهران: زوار.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۳)، *ادبیات نوین ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، (ترجمه و تدوین)، تهران: امیرکبیر.

- اصیل، حجت‌الله (۱۳۷۹)، «کارنامه نثر معاصر»، ماه‌نامه ادبیات و فلسفه، ش ۳۸.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نی.
- امن‌خانی، عیسی (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی درس‌نامه‌های ادبیات معاصر منظوم»، نشریه ادبیات پارسی معاصر، ش ۲۱.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۳)، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، تهران: علمی و فرهنگی.
- انوشیروانی، علی‌رضا (۱۳۸۹ الف)، «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران»، نامه فرهنگستان؛ ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱، ش ۲.
- انوشیروانی، علی‌رضا (۱۳۸۹ ب)، «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران»، نامه فرهنگستان؛ ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱، ش ۲.
- استعلامی، محمد (۱۳۵۰)، *ادبیات دوره بیداری و معاصر*، تهران: رز.
- الهام‌بخش، سید محمود (۱۳۸۵)، *گل‌گشت ادب*، یزد: سروش مهر.
- بالایی، کریستف (۱۳۷۹)، *پیدایش رمان فارسی*، تهران: معین.
- بشیری، محمود (۱۳۹۳)، «تحلیل و نقد کتاب ادبیات معاصر ایران (نثر)»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۴، ش ۳۰.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹)، *هنر مقدس*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- پارسانسب، محمد (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی: از آغاز تا سال ۱۳۵۷*، تهران: سمت.
- پاینده، حسین (۱۳۸۷)، «برآمدن شکل‌های جدید نگارش در ادبیات معاصر فارسی»، در: سفر در آینه، نقد و بررسی ادبیات معاصر (مجموعه مقالات)، به‌کوشش عباس علی وفایی، تهران: سخن.
- ترکی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «ادبیات انقلاب اسلامی، درنگی در مفاهیم و مؤلفه‌ها»، در: ادبیات انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- تقی‌پور، تقی (۱۳۸۶)، *سرگذشت داستان‌نویسی ایران*، تهران: مگستان.
- تندرو صالح، شاه‌رخ (۱۳۷۸)، *حکایت نسل بی‌سخن‌گو*، تهران: مرمر.
- تندرو صالح، شاه‌رخ (۱۳۸۰)، *نقاب نقد*، تهران: چشمه.
- تندرو صالح، شاه‌رخ (۱۳۹۶)، *ادبیات جنگ و موج نو*، تهران: خانه کتاب ایران.
- جعفری، حسین‌علی (۱۳۷۶)، *بررسی هنری بهترین قصه قرآن*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸)، *قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران*، تهران: دلیل.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۵۳)، *ادبیات معاصر*، تهران: رز.
- حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۹۴)، *چشم‌اندازی به تحولات ادبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه شعر و داستان*، تهران: علمی و فرهنگی.

- حسنلی، کاووس (۱۳۸۶)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث و دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- حسین‌پور جافی، علی (۱۳۸۰)، طبقه‌بندی و نقد و تحلیل جریان‌های شعر فارسی (۱۳۳۲-۱۳۵۷)، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- داود پوتا، عمر محمد (۱۳۸۲)، تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی، ترجمه سیروش شمیسا، تهران: صدای معاصر.
- ده‌بزرگی، غلام‌حسین (۱۳۸۴)، ادبیات معاصر ایران، تهران: زوار.
- رحیمیان، هرمز (۱۳۸۷)، ادبیات معاصر نثر؛ ادوار نثر فارسی از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: سمت.
- رشیدیاسمی، غلام‌رضا (۱۳۱۶)، ادبیات معاصر، تهران: ابن‌سینا.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۹۱)، ادبیات معاصر ایران (نثر)، تهران: روزگار.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۷)، قلم‌های قلابند، تهران: کانون اندیشه جوان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقدمه، تصحیح، و تعلیقات بر حالات و سخنان ابوسعید، تألیف جمال‌الدین ابوروح لطف‌الله بن ابی سعید بن ابی سعد، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، با چراغ و آینه: در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، تهران: سخن.
- ظاهری، قدرت‌الله (۱۳۹۳)، بانگ در بانگ: طبقه‌بندی، نقد، و تحلیل جریان‌های شعری معاصر ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰، تهران: علیم.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۷۹)، کارنامه نثر معاصر، تهران: پایا.
- فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۸۶)، «تاریخ ادبی و بحران در استنباط معنای معاصر»، نامه فرهنگستان، دوره ۹، ش ۴.
- قبادی، حسین‌علی (۱۳۸۳)، بنیادهای نثر معاصر فارسی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- لنگرودی، محمد (۱۳۷۰)، تاریخ تحلیلی شعر نو، تهران: مرکز.
- مهرور، زکریا (۱۳۸۳)، بررسی داستان امروز از دیدگاه سبک و ساختار، تهران: تیرگان.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷)، صد سال داستان‌نویسی در ایران، تهران: چشمه.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۴)، هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی، تهران: کتاب خورشید.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۳)، پانزده گفتار، تهران: دانشگاه تهران.
- نقوی، علی محمد (۱۳۶۱)، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی، نظم و نثر)، تهران: جامی.